

قهرمانی که در ۲۵سالگی رفت
رسول خادم ازغدی

■ وقتی از رسول خادم حرف می‌زنیم یعنی پای یکی از نادر تاریخ کشتی ایران در میان است. اعجوبه‌ای که مثل شهاب از آسمان دنیای کشتی عبور کرد و عده‌ای مسوول در دوران اوج رسول، سرود پیروزی سر دادند که یک سوپر استار ۲۵ساله از کشتی خداحافظی می‌کند.

رسول در سال ۱۳۴۳، زمانی که ۱۳ساله بود در مسابقات نونهالان کشور با غلبه بر اکبر ارژند از همدان قهرمان شد. در سال ۶۵، زمانی که ۲۵ساله بود، در انتخابی ۴۸کیلوگرم جام تختی به رتبه چهارم رسید. این پسرپچه، حریفان سن و سال‌داری مثل شهرام آقاچانی را برد و مغلوب مومندرضا چایچی شد و به‌مجد ترکان قهرمان هم ۱۵ بر یک باخت. سال بعد در ۱۶سالگی، در جوانان کشور کشتی گرفت و در فینال ۶۳کیلوگرم به علیرضا محمدیان باخت. سال ۱۷،۶۷ساله بود که با تیم منتخب خراسان به مسابقات جام یاشار دوغو در کشور ترکیه رفت. در سال ۶۸، زمانی که ۱۸ساله بود در جام تختی نقره گرفت. او در این مسابقات تنها به داوود قنبری باخت. به جام دان گلوب بلغارستان هم اعزام شد و در ۱۸سالگی در مسابقه با حریفان سن و سال‌دار موفق بود و در مسابقات امیدهای جهان در سال ۶۸ هم برنز گرفت.

رسول می‌دید که چگونه برادرش امیر – که از مادر جدا هستند– پله‌های ترقی را با سرعتی سرسام‌آور طی می‌کند و هراسی از نام حریفان اسم و رسم‌دار و بزرگسال ندارد. او در جام ریاست‌جمهوری کره‌شمالی، قهرمان وزن ۶۸کیلوگرم شد و مجوز اعزام به بازی‌های آسیایی یکن را در ۱۹سالگی گرفت.

این‌گونه انتخاب شد

در سال ۱۳۷۰ در مسابقات جام تختی و در قهرمانی آسیا ۱۹۹۲ قهرمان و برای حضور در المپیک برگزیده شد.

دوران قهرمانی

در سال ۱۹۹۱، قهرمان امیدهای جهان شد. در سال ۸۹، برنز امیدهای جهان را گرفت. پنج طلای آسیا دارد. در بازی‌های آسیایی یک بار نقره و یک بار طلا گرفت. برویم به سراغ مسابقات معتبر بازی‌های آسیایی، المپیک و قهرمانی جهان.

در سال ۱۹۹۰، نفر دوم بازی‌های آسیایی در وزن ۶۸کیلوگرم شد. سال ۱۹۹۱ به وزن ۸۲کیلوگرم رفت. آن هم یک‌باره قهرمان امیدهای جهان شد. سال بعد در المپیک ۱۹۹۲ بارسلون



سوم شد. در این مسابقات فقط به کوین جکسون آمریکایی باخت. او در این مسابقات «صباح‌الدین اوزتورک» و «هانس گشتوسر» را برد. در سال ۹۳، به وزن ۱۰۰ کیلوگرم رفت اما تقوی نداشت و در سال ۹۴، به ۹۰کیلو رفت. او قهرمان شد و در فینال خادارتسف را برد. در سال ۹۵ باز هم در فینال خادارتسف را برد و قهرمان شد. در سال ۹۶ بهترین مدال عمرش را گرفت. زانویش به شدت مصدوم بود. او ابتدا ویکتور کودی اعجوبه نيجريه‌ای را ۶ بر یک برد، اسلام بايرامکوف را ۳بر۳ برد، تدیف روس را ۳ بر یک برد و سپس ۳ بر صفر، خادارتسف را برد و باز قهرمان شد.

رسول در سال ۹۸ دوباره به تشک کشتی برگشت و در وزن ۱۲۰ کیلوگرم نایب‌قهرمان شد.

امروز

بعد از المپیک آتالانتا، مدیر تیم‌های ملی کشتی فرنگی بود اما چند روز بعد استعفا داد. سال ۲۰۰۲، سهم ارزنده‌ای در قهرمانی تیم‌لی در مسابقات جهانی به عنوان مدیر تیم‌لی داشت.

رسول سپس وارد شورای شهر شد. دو دوره رأی آورد. در سری دوم، رقابت نزدیکی را با قالیباف برای احراز سمت شهردار تهران داشت اما بعد از سه بار رأی‌گیری، قالیباف شهردار شد.

جای او را در تیم‌لی گرفت: محمدحسین محبی

چند سال عضو تیم‌لی بود: ۹سال از ۹۰ تا ۹۸ جانشین او که بود: عبدالرضا کارگر

(در تیم‌لی) در این اوزان کشتی گرفت: ۶۲، ۸۲، ۹۰، ۱۰۰، ۱۲۰

جمله‌ماندگار:

افسوس برای ورزش که تصمیم‌گیرنده آن متخصص ریسنده‌گی و بافندگی هستند.

(۲۰۰۲، کنایه به هاشمی‌طبا)

صنحه‌اول شناسنامه ورزشی:

نام: رسول خادم ازغدی

تاریخ تولد: ۱۳۵۰

محل تولد: مشهد

باشگاه:سعدآباد

مربی: محمد خادم

زبان سرخ جواد

مهدی حدادیور

درباره مردی صحبت خواهیم کرد که در ادبیات فوتبال ما یک استاد به تمام معنا در کلام و واژه‌شناسی است. فوتبال را بسیار خوب می‌شناسد، علوم مرتبط به فوتبال را به خوبی می‌داند، در تیم‌لی بازی کرده، کاپیتان تیم‌لی جوانان، دانش‌جویان و ارتش بوده است و در تیم‌لی بزرگسالان، در جریان مسابقات جام‌جهانی ۱۹۷۸ و المپیک ۱۹۷۲ مونخ حاضر بوده است.

از جواد الله‌وردی حرف می‌زنیم که زبان سرخش بسیاری از ناداشته‌هایش را از او گرفته است. مردی که در فوتبال ما هیچ‌گاه به حق واقعی خود نرسیده است. در فوتبالی که بسیاری از مردانش به حق خود نمی‌رسند و بسیاری دیگر بالاتر از اندازه لیاقت را حس می‌کنند، جواد الله‌وردی سمبل آدم‌هایی به حق نرسیده است، آدم‌هایی که مصداق «سل سوخته در فوتبال» ما هستند.

با او که صحبت می‌کنی برخی از واژگان و جملات تکراری او، بار دیگر در گوشت زنگ می‌زند، حرف‌های تکراری که بار می‌شوی برایت جذابیت دارد. از دو مینسکی که برای سرخا و دو مینسکی که برای آبی‌های پایتخت داده، حرف می‌زند، گاهی اوقات در اجتماعات مردانه حاضر است تا بدقواری زانوهایش را نشان بدهد و بدانی که فوتبال،

چه جثاتی را بر سر زانوهای او آورده است.

با او که حرف می‌زنی از فوتبال علمی می‌گویی؛ از چرخه کریس و تبدیل ADP به ATP که آدنوزین‌تری فسفات این است و عضله دلتوئید و کوادری‌سپس آن است. از مدیریت فوتبال حرف می‌زند. می‌گوید پدیده‌ها را از بالا ببینید نه از کنار، از مدرسه فوتبال

حرف می‌زند، با معرفت‌ها و بی‌معرفت‌های فوتبال را دو دسته می‌کند، پیشکسوت را تعریف می‌کند، از دهداری حرف می‌زند…

بچه خوب ناصر خسرو از دوستانی می‌گوید که در سه دهه قبل، معناد شدند و شب‌ها در جوی لجن گرفته سگ بغل می‌کردند تا از سوز سرما یخ نزنند. بچه ناصرخسرو، از مشکلات می‌گوید، از کسانی که نگذاشتند تا بازیکنان پرسپولیس به مراسم عروسی او بیایند تا او را جلو چشم خانواده‌اش ضایع کنند اما «فرزین» خواننده فقید، تنها به مراسم او آمد و برایش خواند تا جبران بی‌معرفتی کند.

جواد الله‌وردی زیر بار حرف زور نمی‌رفت بنابراین در ۲۱سالگی حاضر بود مقابل سپهبد مملکت بایستد. وقتی در تمرینات پرسپولیس حرف از عضله سه سر و چهارسر می‌زد، خشمشان علی پروین که باج و واج مانده بود، آخر خط را می‌دید که نابودی او بود.

بچه ناصرخسرو، ۱۶ساله بود که به پرسپولیس رفت. دهداری او را با پرسپولیس به آبادان برد. اولین بازی رسمی فوتبالش را با پرسپولیس و دهداری سیری کرد. به برق و پاس رفت و سال ۵۰ به استقلال آمد و طی سال‌های ۵۰ تا ۵۲ بهترین روزهای دوران فوتبالش را در تیم فوتبال «تاج سابق» سیری کرد.

هر چند فوتبال را با پرسپولیس تمام کرد و امروز پیشکسوت تیم فوتبال پرسپولیس است اما در آن دو سال رویایی به او بسیار خوش گذشته است. همیشه از دوسالی که در تیم تاج سابق بود، به نیکی یاد می‌کند. همیشه به خاطر دارد که با دوستان با معرفت خود، عموئسی (عبداللهی)، ناصر حجازی، حاج محمد و حاج قاسم، چه روزهای خوبی را در تیم تاج سابق سپری کرده است.

۱- آن روز تاج با پرسپولیس بازی داشت. در استادیوم صد هزار نفری، تماشاگران دو تیم شاهد دیدار پرسپولیس و تاج در اوج بودند. دو هفته قبل، تیم‌لی به استرالیا باخته و از

جواد الله‌وردی در سال ۵۶ از آمریکا به ایران برگشت و در لیگ بار دیگر پیراهن پرسپولیس را بر تن کرد و آنقدر خوب بازی کرد که حشمت مهاجرانی او را به تیم‌لی فوتبال دعوت کرد.
او جزو ۲۳ مرد ایران در جام جهانی بود که برابر تیم فوتبال پرو هم ۹۰ دقیقه بازی کرد

روز، شاپور قریب گروه سازنده فیلم ممل آمریکایی را به محوطه ورزشگاه صد هزار نفری آورده بود تا سکانش قالیاف دزدی بازیگر نقش اول فیلم را بگیرد. آن روز پرسپولیس و استقلال در شرایطی تقریباً مشابه به مصاف هم رفتند. اتفاق عجیبی رخ داد، پرسپولیس ۶ بر صفر حریف را برد، باور کردنی نبود، همه حملات پرسپولیس تبدیل به گل شده بود. پرسپولیس‌ها فشار آوردند و در یکی از حملات، الله‌وردی که با تمام وجود به دفاع برخاسته بود، دچار شکستگی دست شد. بازی تمام شد.

فردا صبح در دفتر باشگاه تاج، بازیکنان، میهمان رئیس باشگاه بودند، میهمانی که چه عرض کنیم، جلسه مجازات بود. تا آنجا هیچ‌کس الله‌وردی را مقصر باخت نمی‌دانست حتی رایکوف از شهامت او که منجر به شکستگی دستش شده بود، تقدیر کرده بود.

بچه‌های تاج نشسته بودند که سپهبد آمد. خسروانی شروع به صحبت کرد. چند فریاد محکم بر سر بازیکنان کشید که شما در تاریخ باشگاه تاج، یک فصل سیاه درست کردید. می‌دهم مجسمه شما را بسازند. باشگاه را تعطیل می‌کنم و می‌گویم اینها باعث تعطیلی باشگاه تاج شده‌اند. خسروانی می‌خواست ادامه دهد که الله‌وردی ۲۱ساله برخاست سرپرست و

تاریخ ورزش



بازیکنان با تجربه تیم با اشاره چشم و نگاه‌های تند به او خواستند تا بنشینند و حرفی نزد اما الله‌وردی مصمم‌تر از این حرف‌ها بود که… آقا، یعنی چه؟ من در این بازی دستم برای تیم شکسته، روزی که قهرمان تهران و جام اتحاد شدیم هم باعث ننگ بودیم؟ اگر آن روز شما رئیس افتخارات ما بودید، امروز هم وقتی مایه ننگ باشگاه هستیم، شما رئیس ننگ‌ها هستید… حرف‌های جواد، تیز بود و بدجوری اثر کرده بود… خسروانی دستور داد تا رضایت‌نامه جواد الله‌وردی را صادر کنند، یکی – دو نفر برایش پیغام برده بودند که پرس بر جلو چشم همه از تیمسار معذرت‌خواهی کن و به تیم برگرد، آینده تو

خراب می‌شود و…

گوش جواد بدهکار نبود.

تصمیم خود را گرفت و به تیم رقیب رفت، پرسپولیس… از آن به بعد بود که اتهامات شروع شد. جایب که تاریخ به روی بازی ۳۸ سال قبل سیاه است، بازی را کسی ندیده، پس وارثان باخت شش گله می‌توانند به راحتی گناه شکست را گردن جواد بیندازند، جواد اما

پاسخ خوبی به این اتهامات می‌دهد که من یک نفر باعث خوردم آن‌ش نمی‌شدم؟ پس گلرها و بقیه مدافعان تیم رفته بودند گل بچینند؟ فکر کنید من اصلا در زمین نبودم، تیم ۱۰ نفره باید شش گل از پرسپولیس می‌خورد؟ پس آن همه ملی‌پوش چه می‌کردند؟

جواد الله‌وردی، ستاره تاج در پرسپولیس هم بازیکن بزرگی بود اما نه به اندازه تیم تاج، او در پرسپولیس دو فصل بازی کرد و سپس به آمریکا رفت. به سانفرانسیسکو و در محله ساسالیئو اقامت کرد اما زندگی در این محله برایش همواره خاطرات قدیمی را زنده می‌کرد، آنقدر که دیگر دوام نیاورد و در سال ۵۶ به ایران برگشت و در لیگ بار دیگر پیراهن پرسپولیس را بر تن کرد و آنقدر خوب بازی کرد که حشمت مهاجرانی او را به تیم‌لی فوتبال دعوت کرد. او جزو ۲۳ مرد ایران در جام جهانی بود که برابر تیم فوتبال پرو هم ۹۰ دقیقه بازی کرد.

بهمن سال ۵۷ بود که انقلاب اسلامی ایران بر منبای ارزش‌های اخلاقی، مذهبی و اجتماعی پیروز شد. تحولات از سیاست شروع شد و به فرهنگ رسید. اجتماعات، ارزش‌گذاری دیگری پیدا کردند و به تبع آن، ورزش هم انقلابی شد. به هر حال علی عبده، مدیرعامل پرسپولیس به آمریکا رفت و تیم در چند

از بین بازیکنان رای‌گیری شد و جواد الله‌وردی به‌عنوان نماینده اول انتخاب شد اما جواد به شدت مصدوم بود و به توصیه یک پزشک آلمانی فوتبال را کنار گذاشت.

دوری از فوتبال برای جواد دوری از عشق بود. مردی که در سال ۶۲ ازدواج کرد، حالا دیگر از قله شهرت پایین افتاده بود. آن‌روزها الله‌وردی در کار کاغذ باطله بود. کاری که با شآن او انطباق نداشت…

۱۵- ۱۰ سال بعد الله‌وردی به فوتبال برگشت.

در بازگشت به فوتبال بود که حرف از توانایی‌های بسیار او در جامعه به میان آمد.

■ عابدینی به او قول داد اما به بازیش نگرفت

■ در زمان اکبر غمخوار به عنوان مدیر آکادمی پرسپولیس انتخاب شد. اشمیت آلمانی به او لقب دانشمند فوتبال ایران را داد.

■ الله‌وردی به فعالیت روزنامه‌نگاری روی آورد و در نشریات خبر ورزشی، پیروزی و… نوشت.

■ طی دو سال مصاحبه با پیشکوتان را در برنامه دورخیز به صورت مستقیم اجرا کرد.

■ جامعه فوتبال ما به او خود، حق واقعی‌اش را نداد تا او، امروز دوباره به روال سال‌های اولیه بعد از انقلاب به کار کاغذباطله روی آورد.



پرسپولیس

قهرمان رویایی لیگ ایران

■ همان‌گونه که در سال ۴۹، چهار گروه مختلف در مسابقات لیگ منطقه‌ای با حضور ۲۲ تیم مسابقات را برگزار می‌کردند در سال ۱۳۵۰ هم ۲۲ تیم در چهار گروه مختلف به مصاف هم رفتند و در پایان از هر گروه، دو تیم به مرحله نهایی رقابت‌ها صعود کردند. این تیم‌ها، پرسپولیس، پاس، تاج سابق و عقاب از تهران، سپاهان از اصفهان، جم از آبادان، تاج مسجدسلیمان و تاج از نوشهر بودند.

در واقع اگر سه تیم تاج در رقابت‌ها شرکت کرده بودند سه شاهین اصلیل هم در مسابقات حاضر بودند. بعد از انحلال شاهین تهران در سال ۱۳۴۶ و تیم‌های اقماری شاهین در شهرستان‌ها، تیم‌های شاهین تغییر فرم و هویت دادند و کل نفرات این تیم‌ها به تیم‌های تازه پیوستند؛ چنانچه شاهین تهران به پرسپولیس، شاهین اصفهان به سپاهان و شاهین آبادان به جم تغییر نام دادند. بنابراین لیگ سال ۵۰، یعنی دومین لیگ رسمی ایران، تحت نفوذ و سیطره دو فرهنگ فوتبالی بود. فرهنگ تاج و فرهنگ شاهین، یعنی می‌شد لیگ دوم را با تیم‌های شاهین تهران، شاهین اصفهان، شاهین آبادان، تاج تهران، تاج نوشهر، تاج مسجدسلیمان و خلاصه پاس و عقاب تهران برگزار کرد.

■ ■ ■

لیگ در ایران تغییر ماهیت پیدا کرد و به جای برگزاری مسابقات در دو گروه چهار تیمی، هشت تیم شرکت‌کننده مسابقات را در یک گروه هشت تیمی به صورت رفت و برگشت برگزار کردند.

پرسپولیس، پاس، عقاب و تاج سابق، چهار تیم تهرانی و سپاهان، تاج مسجدسلیمان، تاج نوشهر و جم آبادان مسابقات را از روز ۱۲ آذرماه سال ۱۳۵۰ آغاز کردند. این مسابقات در روز پنجم‌فروردین ۱۳۵۱ به پایان رسید.

۱- تاج، مدافع عنوان قهرمانی، حسین فرزای، قلیچ‌خانی و لواسانی سه ستاره خود را به پاس داد. هدایت تاج همچنان بر عهده رایکوف بود.

۲- پاس با ستاره جدیدش قلیچ‌خانی در مسابقات پیشرفت‌قابل توجهی داشت. پاسی‌ها مثل لیگ سال ۴۹ دوم شدند.

۳- پرسپولیس تیم سوم لیگ پارسال به مربیگری آلن راجرز عالی و رویایی کار کرد و با ۱۳ برد و یک باخت قهرمان شد.

۴- عقاب، با هدایت حسین فکری تیم چهارم لیگ شد. عقابی‌ها هم در این رقابت‌ها، تیم شایسته و قابلی بودند.

■ ■ ■

پرسپولیس فقط به تاج مسجدسلیمان باخت. سرخ‌پوشان در دیدار رفت و برگشت تاج، پاس و هم عقاب را بردند. بعد از پرسپولیس، تیم‌های پاس و تاج دوم و سوم شدند.

تیم	بازی‌ها	تفاضل	امتیاز
پرسپولیس	۱۴	۳۹	۲۶
پاس	۱۴	۳۲	۲۴
تاج	۱۴	۱۶	۱۸
عقاب	۱۴	۱۰	۱۶
سپاهان	۱۴	−۶	۱۱
تاج‌مسجدسلیمان	۱۴	−۱۵	۱۰
جم آبادان	۱۴	−۲۰	۷
تاج‌نوشهر	۱۴	−۴۹	۰

نفرات تیم‌های سه‌گانه

پرسپولیس

۱- هادی طلوع‌وسی/ ۲- عزیز اصلی
۳- بیوک وطنخواه/ ۴- جعفر کلاشانی
۵- ابراهیم آشتیانی
۶- محراب شاهرخی
۷- رضا وطنخواه
۸- اسمعیل حاج‌رحیمی‌پور
۹- فریدون معینی
۱۰- اصغر ادیبی
۱۱- ایرج سلیمانی
۱۲/ علی پروین
۱۳- صفر ایرانی‌اک
۱۴/ حسین کلاهی
۱۵- همایون بهزادی
۱۶- محمود خورددین
۱۷- داریوش مصطفوی
۱۸/ محمدرضا خلعتبری

استقلال

۱- ناصر حجازی/ ۲- منصور رشیدی
۳- منصور پورحیدری/ ۴- مسعود معینی
۵- اکبر کارگر جم
۶- عزت جاملکی
۷- جواد الله‌وردی
۸- نصرالله عبداللهی
۹- علی جباری/ ۱۰- جواد قرباب
۱۱- کارو حق‌وردیان/ ۱۲- مهدی حاج‌محمد
۱۳- علیرضا میرشکار/ ۱۴- علی رحمانی
۱۵- مسعود مژدهی/ ۱۶- غلامحسین مظلومی
۱۷- علیرضا حاج‌قاسم/ ۱۸- امیر طاهری

پاس

۱- رضا قفل‌ساز/ ۲- مجید حلوایی
۳- حسین گازرانی/ ۴- حسن حبیبی
۵- مهدی مناجاتی/ ۶- همایون شاهرخی
۷- پرویز میرزاحسن
۸/ ایرج دانایی‌فرد
۹- محمد صادقی
۱۰- اصغر شرفی
۱۱- محمدعلی مالکین
۱۲/ محمد آیینه‌ورزان
۱۳- حسین فرزای/ ۱۴- مهدی لواسانی
۱۵- پرویز قلیچ‌خانی/ ۱۶- کمال خلیلیان